



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

## کلمات و اصطلاحات املاک به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ | ۲۶.۱۵k بازدید



The banner features a cityscape background with a yellow house, a blue car, and a real estate agent in a suit holding a gift. A signpost with a red and white striped sign that says 'REAL ESTATE' is in the foreground. The text 'کلمات و اصطلاحات املاک به انگلیسی' is written in large black font, followed by 'Real Estate Terms in English' in a smaller font. Below that, 'مثال و ترجمه' is written with a plus sign icon. The Zaban Master logo is in the bottom right corner, and 'zabanmaster.com' is in the bottom left corner.

## موضوعات این مقاله

۱ اصطلاحات پایه و ضروری املاک

۲ افراد و نقش‌ها در معاملات ملکی

۳ اصطلاحات قانونی و قراردادی در املاک

۴ واژگان مالی و وام مسکن

۵ انواع املاک و کاربری‌ها

۶ اصطلاحات بازار و تحلیل قیمت املاک

۷ واژگان مدیریت ملک و اجاره‌داری

۸ جمع بندی

اگر قصد خرید، فروش یا اجاره خانه در یک کشور انگلیسی‌زبان را داشته باشید، فقط دانستن کلمات ساده‌ای مثل house یا room کافی نیست و این موضوع باید بخشی از **آموزش زبان انگلیسی** شما باشد. در دنیای املاک (Real Estate) با اصطلاحات تخصصی‌تری مثل قرارداد، وام مسکن، کمپسیون، سند مالکیت و ده‌ها واژه حقوقی و مالی روبه‌رو می‌شوید. در این مقاله از آموزش زبان انگلیسی، مهم‌ترین کلمات و اصطلاحات املاک به انگلیسی را به صورت دسته‌بندی شده، همراه با مثال و ترجمه یاد می‌گیرید تا بتوانید در موقعیت‌های واقعی با اعتماد به نفس صحبت کنید.

## اصطلاحات پایه و ضروری املاک

این بخش مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین واژه‌های حوزه املاک را پوشش می‌دهد؛ یعنی کلماتی که تقریباً در هر خرید، فروش یا اجاره‌ای می‌شنوید. از ملک و املاک به انگلیسی و تلفظ املاک به انگلیسی، تا خریدار و صاحب‌خانه و ...

real estate

املاک / مستغلات

I work in **real estate** and help people buy and sell property.

من در حوزه املاک کار می‌کنم و به مردم برای خرید و فروش ملک کمک می‌کنم.

property

ملک / دارایی ملکی

This **property** is located near the city center.

این ملک نزدیک مرکز شهر قرار دارد.

owner

مالک

The **owner** decided to sell the property this year.

مالک تصمیم گرفت امسال ملک را بفروشد.

buyer

خریدار

The **buyer** made an offer yesterday.

خریدار دیروز یک پیشنهاد خرید ارائه داد.

seller

فروشنده

The **seller** accepted the final price.

فروشنده قیمت نهایی را پذیرفت.

listing

آگهی فروش / ثبت ملک برای فروش

The apartment was **listed** online last week.

این آپارتمان هفته گذشته به صورت آنلاین برای فروش آگهی شد.

offer

پیشنهاد خرید

We submitted an **offer** below the asking price.

ما پیشنهادی پایین تر از قیمت درخواستی ثبت کردیم.

asking price

قیمت پیشنهادی فروشنده

The **asking price** is negotiable.

قیمت درخواستی قابل مذاکره است.

deal

معامله / توافق

They closed the **deal** in two days.

آنها معامله را در دو روز نهایی کردند.

closing

نهایی سازی معامله / انتقال رسمی مالکیت

The **closing** will take place next Monday.

نهایی سازی معامله دوشنبه آینده انجام می شود.

title

حق قانونی مالکیت

The **title** proves who legally owns the property.

سند مالکیت نشان می دهد چه کسی به طور قانونی صاحب ملک است.

deed

سند رسمی انتقال ملک

The **deed** was signed in the lawyer's office.

سند در دفتر وکیل امضا شد.

appraisal

ارزیابی قیمت ملک

The bank ordered an **appraisal** before approving the loan.

بانک قبل از تأیید وام، ارزیابی قیمت ملک را درخواست کرد.

market value

ارزش واقعی بازار

The **market value** has increased over the past year.

ارزش بازار در سال گذشته افزایش یافته است.

equity

سهم مالک از ارزش ملک (ارزش خالص)

After years of payments, she built strong **equity** in her property.

پس از سال‌ها پرداخت، او سهم مالکانه قابل توجهی در ملکش ایجاد کرد.

[بیشتر بخوانید: لغات خانه به انگلیسی](#)

## افراد و نقش‌ها در معاملات ملکی

اگر می‌خواهید راجع به شغل مشاور املاک به انگلیسی صحبت کنید یا می‌خواهید بدانید مدیر املاک به انگلیسی چه می‌شود، این بخش از مقاله زبان مستر برای شماست:

real estate agent

مشاور / واسطه معاملات ملکی

A **real estate agent** helped us find a suitable apartment.

یک مشاور املاک به ما کمک کرد یک آپارتمان مناسب پیدا کنیم.

broker

کارگزار ارشد املاک

The **broker** supervises several agents in this office.

کارگزار ارشد بر چندین مشاور در این دفتر نظارت می‌کند.

realtor

مشاور املاک دارای مجوز رسمی

We hired a licensed **realtor** to handle the sale.

ما یک مشاور املاک دارای مجوز استخدام کردیم تا فروش را مدیریت کند.

client

مشتری

The agent explained all the options to the **client**.

مشاور تمام گزینه‌ها را برای مشتری توضیح داد.

homebuyer

خریدار خانه

First-time **homebuyers** often need financial advice.

خریدارانِ بارِ اول معمولاً به مشاوره مالی نیاز دارند.

investor

سرمایه‌گذار (ملکی)

The **investor** purchased three properties this year.

سرمایه‌گذار امسال سه ملک خرید.

landlord

موجر / صاحب‌خانه

The **landlord** increased the rent after one year.

موجر پس از یک سال اجاره را افزایش داد.

tenant

مستاجر

The **tenant** signed a one-year lease.

مستاجر یک قرارداد یک‌ساله امضا کرد.

property manager

مدیر یا مسئول اداره ملک

The **property manager** handles maintenance issues.

مدیر ملک مشکلات مربوط به تعمیر و نگهداری را رسیدگی می‌کند.

appraiser

کارشناس ارزیاب قیمت

The **appraiser** inspected the property carefully.

کارشناس ارزیاب ملک را با دقت بررسی کرد.

inspector

بازرس فنی ساختمان

An **inspector** checked the building before the sale.

قبل از فروش، یک بازرس ساختمان را بررسی کرد.

attorney / lawyer

وکیل (امور ملکی)

The **lawyer** reviewed the contract documents.

وکیل اسناد قرارداد را بررسی کرد.

notary

دفتر اسناد رسمی / سردفتر

The **notary** verified our signatures.

سردفتر امضاهای ما را تأیید کرد.

developer

سازنده / توسعه دهنده پروژه های ساختمانی

The **developer** plans to build a new complex here.

سازنده قصد دارد در اینجا یک مجموعه جدید بسازد.

contractor

پیمانکار ساختمانی

The **contractor** completed the renovation on time.

پیمانکار بازسازی را به موقع تمام کرد.

estate manager

مدیر املاک / مدیر مجموعه املاک

The **estate manager** is responsible for supervising all the buildings and staff.

مدیر املاک مسئول نظارت بر تمام ساختمان‌ها و کارکنان است.

real estate office manager

مدیر دفتر املاک / مدیر بنگاه معاملات ملکی

The **real estate office manager** oversees the agents and handles major deals.

مدیر دفتر املاک بر مشاوران نظارت می‌کند و معاملات مهم را مدیریت می‌کند.

managing broker

مدیر ارشد یا سرپرست بنگاه املاک

The **managing broker** approves all contracts before they are finalized.

مدیر ارشد قبل از نهایی شدن، همه قراردادها را تأیید می‌کند.

بیشتر بخوانید: [شغل‌ها در انگلیسی](#)

## اصطلاحات قانونی و قراردادی در املاک

contract

قرارداد

Both parties signed the **contract** yesterday.

هر دو طرف دیروز قرارداد را امضا کردند.

agreement

توافق‌نامه

We reached an **agreement** after a long negotiation.

پس از یک مذاکره طولانی به توافق رسیدیم.

lease

اجاره نامه رسمی بلندمدت

They signed a two-year **lease** for the office.

آنها یک قرارداد اجاره دو ساله برای دفتر امضا کردند.

rental agreement

قرارداد اجاره کوتاه مدت یا ماهانه

The **rental agreement** can be renewed every month.

این قرارداد اجاره هر ماه قابل تمدید است.

clause

بند قراردادی

There is a **penalty clause** in the contract.

یک بند جریمه در قرارداد وجود دارد.

term

مدت قرارداد

The lease **term** is twelve months.

مدت قرارداد اجاره دوازده ماه است.

deposit

ودیعه / بیعانه

You must pay a **deposit** before moving in.

قبل از اسباب‌کشی باید ودیعه پرداخت کنید.

security deposit

مبلغ ضمانت خسارت

The **security deposit** will be returned at the end of the lease.

مبلغ ضمانت در پایان قرارداد به شما بازگردانده می‌شود.

down payment

پیش پرداخت خرید

They paid a ۲۰% **down payment** for the property.

آن‌ها ۲۰ درصد مبلغ ملک را به عنوان پیش پرداخت پرداخت کردند.

installment

قسط

The buyer pays the loan in monthly **installments**.

خریدار وام را به صورت اقساط ماهانه پرداخت می‌کند.

disclosure

افشای اطلاعات قانونی ملک

The seller must provide full **disclosure** about any defects.

فروشنده باید تمام مشکلات ملک را به طور قانونی اعلام کند.

contingency

شرط فسخ / شرط وابسته

The deal includes a financing **contingency**.

این معامله شامل شرط تأمین مالی است.

breach

نقض قرارداد

Late payment is considered a **breach** of contract.

پرداخت دیر هنگام نقض قرارداد محسوب می شود.

termination

فسخ قرارداد

Either party can request **termination** with notice.

هر یک از طرفین می توانند با اطلاع قبلی قرارداد را فسخ کنند.

notice period

مهلت اطلاع قبلی

Tenants must give a ۳۰-day **notice period** before leaving.

مستأجران باید از ۳۰ روز قبل از نقل مکان اطلاع دهند.

signature

امضا

Your **signature** makes the contract legally valid.

امضای شما قرارداد را از نظر قانونی معتبر می‌کند.

legal fee

هزینه حقوقی / حق الوکاله

**Legal fees** are included in the closing costs.

هزینه‌های حقوقی در مخارج نهایی معامله محاسبه می‌شود.

واژگان مالی و وام مسکن

mortgage

وام مسکن

They applied for a **mortgage** to buy their first home.

آن‌ها برای خرید اولین خانه‌شان درخواست وام مسکن دادند.

home loan

وام خرید خانه

The bank approved our **home loan** quickly.

بانک وام خرید خانه ما را سریع تأیید کرد.

lender

وام‌دهنده (بانک یا موسسه مالی)

The **lender** requires proof of income.

وام‌دهنده مدرک درآمد درخواست می‌کند.

borrower

وام‌گیرنده

The **borrower** must repay the loan on time.

وام‌گیرنده باید وام را به موقع بازپرداخت کند.

interest rate

نرخ بهره

The **interest rate** increased this year.

نرخ بهره امسال افزایش یافت.

fixed rate

بهره ثابت

We chose a **fixed rate** for predictable payments.

ما بهره ثابت را انتخاب کردیم تا پرداخت‌ها قابل پیش‌بینی باشند.

variable rate

بهره متغیر

A **variable rate** may change over time.

بهره متغیر ممکن است با گذشت زمان تغییر کند.

principal

اصل وام (مبلغ پایه بدون سود)

Each payment reduces the **principal** amount.

هر پرداخت بخشی از اصل وام را کاهش می دهد.

installment plan

طرح پرداخت اقساطی

We selected a ۱۵-year **installment plan**.

ما یک طرح اقساطی ۱۵ ساله انتخاب کردیم.

### amortization

بازپرداخت تدریجی وام با برنامه منظم

The loan has a ۲۵-year **amortization** schedule.

این وام یک برنامه بازپرداخت ۲۵ ساله دارد.

### equity

سهم مالکانه / ارزش خالص دارایی

The owner gained **equity** as the property value rose.

با افزایش ارزش ملک، سهم مالکانه صاحب خانه بیشتر شد.

### cash flow

جریان نقدی

Rental income creates positive **cash flow**.

درآمد اجاره جریان نقدی مثبتی ایجاد می‌کند.

Return on investment (ROI)

بازده سرمایه‌گذاری

This property offers a high **return on investment**.

این ملک بازده سرمایه‌گذاری بالایی دارد.

capital gain

سود حاصل از افزایش قیمت دارایی

They sold the property for a large **capital gain**.

آنها ملک را با سود قابل توجهی فروختند.

tax

مالیات

Property **tax** must be paid annually.

مالیات ملک باید سالانه پرداخت شود.

insurance

بیمه

Home **insurance** protects against unexpected damage.

بیمه ملک از خسارت‌های پیش‌بینی‌نشده محافظت می‌کند.

foreclosure

مصادره ملک به دلیل عدم پرداخت وام

The bank started **foreclosure** after missed payments.

پس از پرداخت نشدن اقساط، بانک فرآیند مصادره را آغاز کرد.

budget

بودجه

Always set a realistic **budget** before buying property.

قبل از خرید ملک همیشه یک بودجه واقع‌بینانه تعیین کنید.

## انواع املاک و کاربری‌ها

residential property

ملک مسکونی

This area is mainly for **residential property**.

این منطقه عمدتاً مخصوص املاک مسکونی است.

commercial property

ملک تجاری

He invested in **commercial property** near the mall.

او در یک ملک تجاری نزدیک مرکز خرید سرمایه‌گذاری کرد.

industrial property

ملک صنعتی

The company bought an **industrial property** for its factory.

شرکت یک ملک صنعتی برای کارخانه خود خرید.

retail space

فضای خرده‌فروشی / مغازه

They rented a **retail space** for their clothing store.

آن‌ها یک فضای خرده‌فروشی برای فروشگاه لباس اجاره کردند.

office unit

واحد اداری / دفتر کار

The startup moved into a small **office unit** downtown.

استارت‌آپ به یک واحد اداری کوچک در مرکز شهر نقل مکان کرد.

condominium (condo)

آپارتمان با مالکیت شخصی و مشاعات مشترک

She bought a **condo** in a modern complex.

او یک واحد کاندو در یک مجتمع مدرن خرید.

townhouse

خانه‌های شهری چسبیده به هم (ردیفی)

**Townhouses** are popular with young families.

خانه‌های ردیفی بین خانواده‌های جوان محبوب هستند.

duplex

ساختمان دو واحدی

They live in one unit and rent out the other in their **duplex**.

آن‌ها در یک واحد زندگی می‌کنند و واحد دیگر را اجاره می‌دهند.

penthouse

واحد لوکس طبقه آخر

The **penthouse** offers a panoramic city view.

پنت‌هاوس چشم‌انداز سراسری شهر را ارائه می‌دهد.

studio

واحد یک اتاقه بدون تفکیک فضا / آپارتمان استودیویی

A **studio** is ideal for one person.

یک واحد استودیو برای یک نفر ایده آل است.

mixed-use development

پروژه ترکیبی (مسکونی + تجاری + اداری)

The **mixed-use development** includes shops and offices.

این پروژه ترکیبی شامل فروشگاهها و دفاتر کاری است.

investment property

ملک سرمایه گذاری (برای اجاره یا فروش مجدد)

They bought the apartment as an **investment property**.

آنها این آپارتمان را برای سرمایه گذاری خریدند.

rental property

ملک اجاره‌ای

Managing a **rental property** requires regular maintenance.

مدیریت یک ملک اجاره‌ای نیازمند نگهداری منظم است.

vacant land

زمین خالی / بدون ساخت

The developer purchased **vacant land** for a new project.

سازنده برای یک پروژه جدید زمین خالی خرید.

plot / lot

قطعه زمین

This **plot** is suitable for construction.

این قطعه زمین برای ساخت و ساز مناسب است.

freehold

مالکیت دائمی زمین و ملک

With **freehold** ownership, you own the land permanently.

در مالکیت دائمی، زمین و ملک برای همیشه متعلق به شماست.

leasehold

مالکیت مدت دار (اجاره بلندمدت از مالک اصلی)

The property is **leasehold** for ۹۹ years.

این ملک به صورت مالکیت مدت دار ۹۹ ساله است.

بیشتر بخوانید: مکان‌ها به انگلیسی

## اصطلاحات بازار و تحلیل قیمت املاک

real estate market

بازار املاک

The **real estate market** is very active this year.

بازار املاک امسال بسیار فعال است.

demand

تقاضا

**Demand** for rental units has increased recently.

تقاضا برای واحدهای اجاره‌ای اخیراً افزایش یافته است.

supply

عرضه

Low **supply** pushes prices higher.

عرضه کم باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود.

buyer's market

بازار به نفع خریدار

It's a **buyer's market**, so prices are negotiable.

بازار به نفع خریدار است، بنابراین قیمت‌ها قابل مذاکره‌اند.

seller's market

بازار به نفع فروشنده

In a **seller's market**, homes sell quickly.

در بازار به نفع فروشنده، خانه‌ها سریع فروخته می‌شوند.

listing price

قیمت اعلام‌شده در آگهی

The **listing price** is higher than last year's average.

قیمت آگهی بالاتر از میانگین سال گذشته است.

negotiation

مذاکره بر سر قیمت

Good **negotiation** can save you thousands of dollars.

مذاکره خوب می‌تواند هزاران دلار برای شما صرفه‌جویی کند.

appreciation

افزایش ارزش ملک

Property values show steady **appreciation** over time.

ارزش املاک با گذشت زمان به‌طور پیوسته افزایش می‌یابد.

depreciation

کاهش ارزش

Poor location may cause **depreciation**.

موقعیت نامناسب ممکن است باعث کاهش ارزش شود.

price trend

روند قیمت

Analysts are studying the **price trend** in this area.

تحلیلگران در حال بررسی روند قیمت در این منطقه هستند.

comparable properties (comps)

املاک مشابه برای مقایسه قیمت

Agents use **comps** to estimate the property's value.

مشاوران از املاک مشابه برای تخمین قیمت ملک استفاده می‌کنند.

inventory

تعداد املاک موجود در بازار

Housing **inventory** is very limited right now.

تعداد خانه‌های موجود در بازار در حال حاضر بسیار کم است.

vacancy rate

نرخ خالی بودن واحدها

A **high vacancy rate** means fewer tenants.

نرخ بالای واحدهای خالی یعنی مستأجران کمتر.

turnover

جابه‌جایی یا تعویض مستأجران

High **turnover** increases management costs.

جابه‌جایی زیاد مستأجران هزینه مدیریت را افزایش می‌دهد.

boom

رونق شدید بازار

The city experienced a housing **boom** last year.

شهر سال گذشته رونق شدیدی در بازار مسکن داشت.

slump

رکود بازار

Sales dropped during the market **slump**.

فروش در دوران رکود بازار کاهش یافت.

affordable

مقرون به صرفه

This neighborhood offers more **affordable** housing options.

این محله گزینه‌های مسکن مقرون به صرفه تری ارائه می‌دهد.

overpriced

بیش از حد گران

The apartment seems **overpriced** for its location.

این آپارتمان نسبت به موقعیتش بیش از حد گران به نظر می‌رسد.

## واژگان مدیریت ملک و اجاره‌داری

rent

اجاره بها

The **rent** is due on the first of every month.

اجاره بها در روز اول هر ماه سررسید می شود.

tenant screening

بررسی صلاحیت مستأجر

The landlord does **tenant screening** before signing the lease.

موجر قبل از امضای قرارداد، صلاحیت مستأجر را بررسی می کند.

maintenance

نگهداری و تعمیرات

Regular **maintenance** keeps the property in good condition.

نگهداری منظم ملک را در وضعیت خوبی حفظ می کند.

repair

تعمیر

The tenant requested a **repair** for the heating system.

مستأجر درخواست تعمیر سیستم گرمایش را داد.

utilities

هزینه‌های خدمات (آب، برق، گاز و...)

**Utilities** are not included in the rent.

هزینه‌های خدمات در اجاره بها لحاظ نشده است.

furnished

مبله

The apartment is fully **furnished**.

آپارتمان کاملاً مبله است.

unfurnished

بدون اثاثیه

**Unfurnished units are usually cheaper.**

واحد های بدون اثاثیه معمولا ارزان تر هستند.

**move-in**

تاریخ یا فرایند اسباب کشی به داخل

**Our move-in date is next Friday.**

تاریخ اسباب کشی ما جمعه آینده است.

**move-out**

تخلیه یا خروج از ملک

**The inspection will happen after move-out.**

بازدید پس از تخلیه انجام خواهد شد.

**notice**

اخطار / اطلاع رسمی

He gave a ۳۰-day **notice** before leaving.

او ۳۰ روز قبل از رفتن اطلاع داد.

late fee

جریمه دیرکرد

A **late fee** applies if the rent is overdue.

در صورت تأخیر در پرداخت، جریمه دیرکرد اعمال می‌شود.

eviction

حکم تخلیه اجباری

The landlord started **eviction** due to unpaid rent.

موجر به دلیل پرداخت نشدن اجاره، فرآیند تخلیه اجباری را آغاز کرد.

sublet

اجاره دادن به شخص ثالث (زیر اجاره)

She **sublet** her unit while traveling abroad.

او هنگام سفر به خارج، واحدش را به فرد دیگری اجاره داد.

inspection

بازدید و بررسی فنی

A yearly **inspection** checks the condition of the property.

بازدید سالانه وضعیت ملک را بررسی می‌کند.

damage

خسارت

Tenants must pay for any **damage** they cause.

مستأجران باید خسارت‌های ایجاد شده را پرداخت کنند.

cleaning fee

هزینه نظافت

A **cleaning fee** is deducted from the deposit.

هزینه نظافت از ودیعه کسر می‌شود.

house rules

قوانین ساختمان / مقررات سکونت

The **house rules** prohibit loud noise at night.

قوانین ساختمان سر و صدای زیاد در شب را ممنوع می‌کند.

occupancy

ظرفیت یا وضعیت سکونت

Maximum **occupancy** is two people per unit.

حداکثر ظرفیت سکونت دو نفر برای هر واحد است.

## جمع بندی

یادگیری اصطلاحات املاک به انگلیسی فقط حفظ چند کلمه نیست؛ بلکه کمک می‌کند قراردادها را بهتر بفهمید، آگهی‌ها را دقیق‌تر بخوانید و در موقعیت‌های واقعی مثل خرید، فروش یا اجاره ملک با اعتماد به نفس صحبت کنید. در این مقاله با واژگان پایه، نقش‌ها، اصطلاحات قانونی، مفاهیم مالی، انواع کاربری و عبارات روزمره بازار املاک آشنا شدید.

اگر قصد مهاجرت، سرمایه‌گذاری یا حتی اجاره خانه در خارج را دارید، این لغات واقعا کاربردی و ضروری هستند.

## تفاوت lease و rental agreement چیست؟

Lease معمولا قرارداد بلندمدت (مثلا یکساله) است، اما rental agreement بیشتر کوتاهمدت یا ماهانه محسوب می شود.

## Mortgage دقیقا یعنی چه؟

Mortgage همان وام مسکن است که بانک برای خرید ملک می دهد و شما آن را به صورت اقساطی با بهره بازپرداخت می کنید.

## Deposit و security deposit چه فرقی دارند؟

Deposit می تواند بیعانه یا پیش پرداخت باشد، اما security deposit مخصوص ضمانت خسارت های احتمالی در زمان اجاره است.

## برای اجاره خانه خارج از کشور کدام لغات ضروری ترند؟

کلماتی مثل rent, utilities, maintenance, notice, move-in, move-out بیشترین کاربرد روزمره را دارند.

## اگر بخواهم حرفه ای تر در بازار ملک صحبت کنم، روی چه اصطلاحاتی تمرکز کنم؟

واژه های تحلیلی مثل market value, appreciation, demand, supply, negotiation کمک می کنند مثل یک مشاور یا سرمایه گذار حرفه ای صحبت کنید.